

مدد کنید تا آینده را خود رقم بزنیم

رژیم اسلامی که کماکان در درون مرز به شکنجه و آزار و کشتار دگر اندیشان مشغول است، بکمک سوداگران و تکنوکراتهایی که جز به منافع مادی خود بچیزی نمی اندیشند، بساط مکر و ریای خود را در برون مرز پهن کرده است تا برای خود چهره ای مقبول بسازد و واجد شرایط برای دریافت کمک های کشورهای غربی شود. در کنار فعالیت های شدید دیپلماتیک و تلاش روزافزون واسطه هایش (Lobbyist)، هر روز کنفرانس و سمیناری در گوشه و کنار دنیا براه انداخته است و نمایندگانش به ما و جهانیان درس "مدارا" و "تمدن" و گفتگوی مسالمت آمیز می دهند.

رژیم اسلامی در تلاش برای بقا و دوام خود، احتیاج به کمک غرب دارد و برای فراهم کردن شرایط لازم باید بنحوی چهره کریه و ضد انسانی خود را پشت این نمایشات تهوع آور پنهان کند. برای سوداگران غربی و همدستان ایرانیشان مهم نیست که در داخل ایران بر سر مردم ما چه می آید. مهم آنست که رژیم در خارج کشور چهره ای معقول بخود بگیرد تا آنها هم بتوانند با نسبت دادن مبارزات مردم ما به "اصلاح طلبان"، مجموعه ای بسازند که بتواند پاسخگوی افکار عمومی مردمشان برای مشروعیت بخشیدن به یکی از بزرگترین ستمگران تاریخ بشری باشد. این توطئه را باید در هم شکست.

سودگران ایرانی-آمریکائی همسو با رژیم اسلامی مدتهاست در تلاشند تا زمینه های این تهاجم همه جانبه را فراهم کنند. در حالیکه مدام دم از "مردم" میزنند، همه امکانات خود را بکار گرفته اند تا مبارزات و مقاومت مردم ما را در قبال رژیم سرکوبگر به بن بست بکشند. پیکاری که تحت عنوان برداشتن "تحریم" و بعنوان کمک به "مردم" براه افتاده است در همین رابطه هست.

این گروهها و افراد سالهاست که در صحنه سیاسی کشورهای خارج فعال و به واسطه گری پارلمانی (Lobby) مشغولند و بدون هیچ مانعی در ایجاد مشروعیت برای رژیم تلاش کرده اند. در همان دورانی که ما با هم به درد دل نشستیم بودیم، جلوی ساختمان فدرال لس آنجلس شعار میدادیم، و به بد و خوب کردن عناصر رژیم مشغول بودیم، اینان مشغول تدارک بودند. سمینارها را اینان در دانشگاه کلمبیا، یو-سی-ال-ای، استانفورد، و بسیاری اماکن دیگر بر پا کردند. طومار امضاها را اینان جمع کرده و با نمایندگان سیاسی کشورها رابطه ایجاد کردند. گروه های متعدد به اصطلاح ایرانی-آمریکائی را اینان بر پا کردند، و

باید به آنان اعتبار این شیوه کار را داد و از آنها درس گرفت. جلوگیری از مشروعیت یافتن رژیم اسلامی در برون مرز از زمره معدود کارهاییست که در توان برون مرزیهاست و از دو طریق عملیست:

- ۱- محاکمه جنایتکاران از طریق نهادهای بین المللی و عدالت خواهی برای قربانیان رژیم اسلامی
- ۲- استفاده از قدرت رای ایرانیان بعنوان عامل فشار از طریق شرکت در پروسه سیاسی کشورهای خارج

تلاش برای محاکمه جنایتکاران محور اساسی فعالیتهای گروه "مهر" است. این کار که از طریق نهادها و قوانین بین المللی نظیر "قانون منع شکنجه" دنبال میشود هم تاکتیک است هم استراتژی. هم هدف است و هم وسیله. هدف است و هدفیست بس والا چرا که عدالت را جستجو میکند تا به صلح و دوستی معنا و مفهومی واقعی و پایدار ببخشد. و وسیله است چرا که به کمک آن و طرح شکایت بر علیه سردمداران رژیم، قوانین داخلی و بین المللی کشورها اجازه نخواهند داد که سوداگران با جنایتکاران رابطه ایجاد کنند و با کمک به آنها مبارزات مردم ما را خنثی نمایند. کار خطیر عدالت خواهی خنثی کننده تمام اقداماتیست که رژیم برای مشروعیت یافتن انجام میدهد.

جزئیات این تلاش در مقالات و نوشته های متعددی تشریح شده است. وکلای ما آماده اند تا بمحض ورود جنایتکاران به خارج بر علیه آنان اقامه دعوا کنند. تنها باید افراد مختلف را که در رده های مختلف اجرائی و تصمیم گیری در آزار و دستگیری و

شکنجه و قتل دست داشته اند شناسائی کرد و از حضور آنان در خارج مطلع شد.

برای شرکت در پروسه سیاسی و استفاده از قدرت رای ایرانیان، باید یک گروه قوی رای دهنده به حول تنها یک موضوع ایجاد کرد. آن یک موضوع اینست که باید صرفنظر از مواضع سیاسی و اینکه به کدام حزب سیاسی تعلق خاطر داریم، موضع گیری در قبال رژیم اسلامی و عدم ایجاد رابطه غیر مشروط را شرط رای دادن خود کنیم. اگر تنها در یکی از انتخابات نقش تعیین کننده خود را نشان دهیم، آنوقت است که به خواسته‌های ما توجه خواهد شد. باید قوی شد و از موضع قدرت حرکت کرد. آنجا که پای منافع در میان است، از راه تکیه بر عواطف انسانی نمیتوان مانع رابطه با رژیم اسلامی شد، اما با اعمال قدرت رای خود باین کار قادر خواهیم بود.

دعوت ما از مردم برای شرکت در پروسه سیاسی امریکا، تلاش برای سازماندهی آن، و اعمال این نظر که روابط با رژیم باید مشروط به رعایت حقوق بشر در ایران باشد، بازتاب بسیار خوبی داشته است. این بازتاب مثبت بیش از آنکه در واکنش موافقین نظر ما نهفته باشد در عکس العمل مخالفین ما بچشم میخورد. بنظر میرسد که حتی اعلام این موضع که ما می‌خواهیم پا به عرصه ای بنهیم که آنان سالهاست یکه تاز آن بوده اند حساسیت زیادی ایجاد کرده است. این حساسیت که بصور مختلف نشان داده شده است خود نشان از درستی و اهمیت کار و موضع ما دارد.

در رابطه با پخش وسیع نامه ما به پرزیدنت بوش و جمع امضا و کارهایی در این زمینه، تلاش‌های بسیاری برای بی اعتبار کردن ما آغاز شده است. این تلاش هم بصورت فحاشی هائیسیت که تا بحال بصورت e-mail و یا پیغام تلفنی و با همان روشهای کثیف جمهوری اسلامی صورت گرفته، با این مضمون که ما عامل و جاسوس این مملک و آن گروه هستیم، وطن فروشیم و دشمن مردم ایران، و هم بصورت کار حساب شده ایکه در اینترنت تحت عنوان نظر خواهی آغاز کردند ولی با شکست مواجه شد.

گروهائی نظیر IIC (Iranian for International Corporation) بشهادت مقالات و نوشته هایشان که در صفحه اینترنت آنها (iic.org) منعکس است، معتقدند که جناح "اصلاح طلب" رژیم را باید حمایت کرد و لذا برای تجدید روابط بدون قید و شرط امریکا با جمهوری اسلامی تلاش میکنند و اینرا بنفع "مردم ایران" میدانند. اگر بخواهیم خوشبینانه به این موضع نگاه کنیم باید نتیجه بگیریم که اصرار بر بدون قید و شرط بودن این رابطه باین علت است که آنها "منافع مردم" ایران را از این روابط تا حدی میدانند که معتقدند به کشت و کشتار و آزار و ایدای مردم می ارزند و لذا باید غیر مشروط باشد. البته این گروه ها سعی دارند که بیکاری و فقر و ورشکستگی اقتصادی ایران را بحساب تحریم اقتصادی بگذارند. این مسئله که از طرف تمام گروه های مدافع ارتباط با رژیم مطرح میشود با توجه به این واقعیت که اصولا در چند سال گذشته حداقل تحریمی از جانب کشورهای اروپائی در مورد ایران وجود نداشته بسیار بحث بی اعتباریست. رژیم اسلامی هر کالای صنعتی و غیر صنعتی را بسیار ارزانتر میتوانسته است از اروپا وارد کند و احتیاجی به جنس امریکائی ندارد. آنچه رژیم اسلامی سخت احتیاج دارد گرفتن وام از بانک جهانیست و از اینروست که به تائید امریکا نیاز دارد. نابسامانیهای اقتصادی ایران حاصل اتخاذ سیاست اقتصادی عقب مانده و انگلی دلالیست، و دزدیها و اختلاسات حاکمانی که تمام ارگانهای حیاتی مملکت را در خدمت غارت و چپاول خود گرفته اند. به نقش بنیاد مستضعفان و دیگر سازمانهای مشابه و همچنین نکته ای که در مورد بانک جهانی ذکر شد در نوشته دیگری خواهیم پرداخت.

موضوع دیگری که سخت حساسیت پاره ای از سودجویان را برانگیخته است، اعلام این مطلب در نامه "مهر" به پرزیدنت بوش است که ارتباط با رژیم اسلامی و حتی با شرکتهای بظاهر مستقل جز از طریق گذر از سیستم پیچیده رشوه‌ای که رژیم ایجاد کرده است عملی نخواهد بود و ذکر اینکه حد اقل دو نفر از بازرگانان ایران حاضر شده اند که در صورت حفظ هویتشان در این مورد شهادت بدهند. در ادامه این بحث ما اعلام کرده ایم که حتی اگر این روابط بنحوی برقرار شود ما با استفاده از قوانین امریکا منجمله قانون Foreign Corrupt Practices Act (FCPA) که رشوه خواری را جرم شناخته است و با شناخت و افشای رشوه خواریهای افراد و گروههای درگیر ایرانی و غیر ایرانی، مانع اینکار خواهیم شد. باید توجه داشت که تلاش برای ایجاد روابط غیر

مشروط الزاما از زاویه توافق ایدئولوژیک با رژیم اسلامی صورت نمیگیرد. با توجه به بافت اجتماعی افراد شناخته شده این گروه ها، احتمالا آنها از رژیم اسلامی خوششان هم نمی آید و تلاششان برای ایجاد رابطه، بیشتر انگیزه های مادی دارد. بهر حال بنظر می آید که ما حریم یکه تازیهای بدون منازع پاره ای از افراد و گروه ها را برای مشروعیت بخشیدن به رژیم اسلامی شکسته ایم و این بر آنان بسیار گران آمده است.

ما بر آنیم که از مشروعیت یافتن رژیم اسلامی جلوگیری کنیم و اجازه ندهیم رژیمی که در داخل به کشت و کشتار هموطنان ما مشغول است، در برون مرز اجازه یابد که به ما درس "تمدن" و "مدارا" و "جامعه مدنی" بدهد و به این نحو چهره کثیف خود را پنهان نماید تا انجام زد و بند هایشان ساده تر صورت گیرد. پاره ای به ما میگویند شما یارای آنرا ندارید که مانع ارتباط کشورها با رژیم اسلامی بشوید. در پاسخ و رد این نظر تنها به یک نکته اشاره میکنیم و آن نقش مردم ما در این ماجراست. اگر مردم ما اجازه داده بودند و رژیم ثباتی ولو نسبی پیدا کرده بود، از سالها پیش و حد اقل از زمان سفر خاتمی به امریکا این ارتباط برقرار شده بود. موسساتی که بدنبال منافع مادی خود هستند بیش از هر چیز بدنبال ثبات در رژیم اسلامی و محکم کردن پایه های لرزان آن هستند تا مطمئن شوند سرمایه گزاریهایشان امن خواهد بود. مردم دلیر ما هستند که راه را بر سوداگران ایرانی و امریکائی بسته اند و خواهند بست. بلی دوستان، ما تنها نیستیم. مردم مبارز ما تکیه گاه بزرگ ما بوده و همیشه خواهند بود.

روزنامه "ایران" که در تهران چاپ میشود، خبر فرستادن نامه ما به پرزیدنت بوش و بخش هائی از آنرا در تاریخ ۲۳ بهمن منتشر کرده است. این خبر که عاری از هر نوع فحاشی و یا انگ زدن است، دلالت بر این دارد که این نظر مورد توجه افراد درون مرز نیز هست.

برای کسانی که دل در گرو انسانیت دارند و از انسان ستیزیهای رژیم اسلامی بخاطر منافع مادی چشم پوشی نمیکنند تنها راهی که در برون مرز وجود دارد شرکت در تلاش نیست که اجازه نخواهد داد سیستم ظلم و جور در افکار عمومی دنیا مشروعیت یابد و قدرت بیشتری در سرکوب مبارزات مردم ما برای آزادی و عدالت پیدا کند. باید به جنبش عدالت خواهی که بنیاد "مهر" آغاز کرده است کمک کرد تا با طرح شکایت از همه جنایتکاران رژیم به آنان اجازه نداد که بعنوان نمایندگان ملت ما آینده مملکت ما را پیش فروش کنند. باید در تمامی دنیا با هدف شرکت در پروسه سیاسی و فشار بر نمایندگان سیاسی این کشورها برای موضع گیری در قبال نقض حقوق بشر در ایران، گروه های فعال تشکیل داد. باید با تکیه بر قدرت رای خود شرایطی ایجاد کنیم که موارد زیر در دستور کار نمایندگان سیاسی قرار گیرد:

۱- رژیم اسلامی باید کماکان بعنوان رژیم تروریستی شناخته شود. مطابق مقررات امریکا و اکثر کشورهای اروپا نمایندگان و مدافعان تروریسم حق مسافرت و تبلیغ را در شهرهای امریکا ندارند و هر گونه کمک مالی به آنان نیز جرم میباشد.

۲- مادام که حقوق بشر در ایران نقض میشود و تا رعایت کامل مواد بیانیه حقوق بشر و میثاقهایش، هیچ نوع رابطه ای نباید با رژیم اسلامی برقرار شود. روابط اقتصادی باید با مردم ایران و موسسات اقتصادی مستقل از دولت باشد. منتها باید مکانیسمی ایجاد کرد که بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای اقتصادی مشابه نتوانند زیر عنوان نهادهای مستقل و یا رشوه گرفتن از آنها کماکان به اختلاس و دزدیهای خود ادامه دهند. طبیعیت است که رژیم اسلامی اگر تحت فشار قرار نگیرد تن به این شرایط نخواهد داد. تنها فشار بر رژیم است که زمینه ارتباطات مستقیم با مردم را میتواند فراهم کند.

تحقق این خواستها با خواهش و التماس و توسل به احساسات انسان دوستانه قدرتمداران و سودجویان عملی نیست. همانطوریکه قبلا ذکر شد، باید در درجه اول جنایات رژیم را در دادگاههای بین المللی ثابت کرد تا قوانین این کشورها اجازه ارتباط با آنها را ندهد و دیگر آنکه با شرکت در پروسه سیاسی این خواستها را تحمیل کرد. مدد کنید تا بجای آنکه به انتظار آینده ای باشیم که رژیم اسلامی و مدافعانش برای ما میسازند، خود این آینده را رقم بزنیم.

محمد پروین

مارچ ۲۰۰۱

گروه تلاش برای نهادینه شدن حقوق بشر در ایران
MEHR Foundation
P.O. Box 2037, P.V.P., CA 90274
Tel: (310) 377- 4590 ; Fax: (310) 377-3103
E-mail: mehr@mehr.org ; URL: <http://mehr.org>